

تحت اسارت بگذاریم .

من عاقبت این کار را نه بصلاح ملت و نه درصلاح اعلیحضرت همایونی می‌دانم و درخاتمه عرض می‌کنم که تا ما نمایندگان جبهه ملی در این مجلس هستیم با هرگونه دولتی که روی اصول دموکراسی و سنن پارلمانی تشکیل نشود مخالفیم و از هرگونه فداکاری در این زمینه ولو به قیمت جان ما تمام شود خودداری نداریم .

این بود مطالبی که من از طرف فراکسیون جبهه ملی یعنی فراکسیون وطن خواستم به عرض مجلس شورای ملی برسانم

یکی از آقایان نمایندگان روزی به من گفت که ما می‌رویم این قانون انتخابات را به صورتی تصویب کنیم که دولت تصور نکند اگر مجلس را منحل کرد می‌تواند نمایندگانی به میل خود انتخاب و به مجلس وارد کند و من هم روی این اصل گفتم سکوت اختیار می‌کنم تا نمایندگان لویج دولت را راجع به انتخابات و مطبوعات و حکومت نظامی که نخست‌وزیر تاکنون جرأت نکرده آن را به مجلس بیاورد تصویب نمایند . ولی چون تا به امروز این طرح‌ها تصویب نشده است لذا اکنون مطالبی دارم که باید به عرض برسانم و امیدوارم مجلس از صلاح مملکت خارج نشود و ملت ایران را از خود راضی نگاه بدارد . ملت ایران در بند این است که نمایندگان حقیقی خود را به مجلس نفرستد ولی اگر نمایندگانی آمدند که نمایندگی آن‌ها مورد تصویب ملت ایران نبود اما در این مجلس کاری بر صلاح ملت و مملکت انجام دادند نماینده ملت هستند من خود را نماینده ملت می‌دانم ولی اگر در این مجلس خیانت کنم روح ملت از من بیزار است ولی اگر کسی نماینده ملت نباشد و در این مجلس به ملت خدمت کند ملت او را نماینده خود می‌داند .

این قضیه نمایندگی مثل عقد فضولی است ممکن است کسی به عنوان نماینده مأذونی معامله بکند ولی آن معامله به ضرر کسی باشد که او را نماینده کرده است و در این صورت آیا از نماینده خود راضی است ؟ ولی اگر

نماینده غیر مأذونی معامله خوبی بکند که به نفع او باشد البته آنرا قبول دارد و آن عمل را از او می‌پذیرد پس آقایانی که در این مجلس هستند (البته منظورم عده‌ای از آقایان می‌باشند) فکر نکنند از چهرای به مجلس آمده‌اند و توجه کنند که خدمت به ملت واجب است و وقتی هم چیزی واجب شد مقدمه واجب هم واجب است و وقتی آمدند و گفتند نماینده ملت هستیم باید کاری بر خلاف منافع ملت نکنند

می‌خواهم از آقایان محترم و همکاران عزیز این استدعا را بکنم که نسبت به طرحی که تهیه نموده‌ام و تا این ساعت کسی از آن آگاه نیست شفاهاً اظهار موافقت یا مخالفت نکنند و نکات ذیل را مورد توجه قرار دهند .

اول چنانچه بعضی از آقایان در خارج جلسه کاری دارند من تأمل می‌کنم که تشریف ببرند و کار خود را انجام دهند تا اینکه در موقع شور و بحث از جلسه خارج بشوند و کسی نگوید که رفته‌اند با بعضی از مراکز حساس مشورت کنند .

دوم من طرح خود را در چهار نسخه تهیه کرده‌ام و محتاج است که ۱۴ نفر دیگر آن را امضاء کنند تا رسمیت پیدا کند بنا بر این تمنا می‌کنم پس از قرائت ۴ نفر از آقایان موافق برخیزند و بر من منت بگذارند و هر نسخه‌ای را لااقل به چهار امضاء برسانند تا اینکه بتواند مطرح شود .

سوم در فوریت اول و دوم هیچ کس به عنوان مخالف و موافق صحبت نکند و بر طبق معمول با قیام و قعود رأی بدهند چنانچه نتیجه مشکوک باشد و بخواهند بر طبق ماده ۱۵۵ آئین‌نامه با ورقه اخذ رأی کنند اینجانب بر

۱ - روش سیاسی آقای دکتر مصدق این بود که برخی مواقع نظریات یا پیشنهادات خود را تا آخرین لحظه‌ای که می‌بایست مورد عمل قرار دهد حتی به دوستان خود نمی‌گفت و این خود یک بحث دیگری دارد .

طبق ماده ۱۵۶ تقاضای رأی مخفی خواهم کرد.

چهارم در موقع بحث و شور هم اگر کسی مخالفت نمود موافقین از ناین جواب خودداری کنند و به این قناعت نمایند که عقیده و رأی خود را به وسیله مهره سفید ابراز کنند.

حال باید دید که آقایان نکات معروضه را چه اندازه مورد توجه قرار می دهند و چگونه آن ها را در این جلسه اجراء می کنند.

اکنون استدعای کم اگر خارج از جلسه کاری نیست اجازه فرمائید طرح خود را قرائت کنم.

مجلس شورای ملی: خاطر آقایان مستحضر است پنجشنبه ۱۳۲۸/۲/۱ مجلس مؤسسان مرکب از نمایندگان ولایات تشکیل گردید و در اصل ۴۸ قانون اساسی تجدیدنظر نمود و اصل تمدیدی بدین قرار تصویب شد: اعلیحضرت همایون شاهنشاهی می توانند هر یک از مجلس شورای ملی و مجلس سنا را جداگانه و یا هر دو مجلس را در آن واحد منحل نمایند در هر مورد دو مجلسین یا یکی از آن ها که به موجب فرمان همایونی منحل می گردد باید در همان فرمان انحلال، علت انحلال ذکر شده و امر به تجدید انتخابات نیز بشود. انتخابات جدید در ظرف یک ماه از تاریخ صدور فرمان شروع شده و مجلس یا مجلسین جدید در ظرف سه ماه از تاریخ مزبور باید منعقد گردد. مجلس جدید که پس از انحلال تشکیل می شود برای یک دوره جدید خواهد بود نه برای بقیه دوره مجلس منحل شده، مجلس یا مجلسین جدید را نمی توان مجدداً " به همان علت منحل کرد

(اصل ۴۸ و هریک از اصول دیگر قانون اساسی مورخ ۱۴ ذیقعد الحرام ۱۳۲۴ قمری و متمم آن که مخالف این اصل است نسخ می شود).

نظر به اینکه علت اصلی انحلال در سایر ممالک طول مدت دوره تقنینیه است که به واسطه حوادث سیاسی و اقتصادی بین افکار عامه در زمان انتخابات و افکار جامعه در موقع انحلال فرق های فاحشی دیده می شود که

در بسیاری از موارد دولت‌ها نمی‌توانند با مجلس همکاری کنند و همکاری مجلس با دولت بسته به انحلال مجلس است که نمایندگانی مطابق افکار روز انتخاب شوند و به مجلس بروند و اختلاف را مرتفع کنند ولی در ایران چون مدت تقنینیه زیاد نیست^۱ انحلال مجلس را ایجاب نمی‌کند و پس از دو سال مجلس خود به خود منحل می‌شود.

و نظر به اینکه در موقع تجدید نظر مجلس سنا وجود نداشت که در موقع بروز اختلاف بر طبق اصل ۴۸ مجلس سنا انفصال مجلس شورای ملی را تصویب کند ولی اکنون که مجلس سنا هست هر وقت چنین اختلافی روی دهد راه انحلال باز است و مجلس سنا به وظیفه خود عمل می‌کند.

و نظر به اینکه تجدیدنظر در قانون اساسی را باید مجلس مؤسسانی بکند که اعضاء آن نمایندگان حقیقی ملت باشند و مجلس مؤسسان منعقد شده در ۲۸/۲/۱ این شرط را واجد نبوده است لذا اعضاءکنندگان ذیل برای جلوگیری از هرگونه جدال بین ملت ایران و مجلس مؤسسان ۲۸/۲/۱ در خواست می‌نمائیم که: اصل ۴۸ قانون اساسی مورخ ۱۴ ذیقده ۱۳۲۴ هجری قمری به‌عنوان تفسیر در محل خود برقرار بماند.

برای اقناع آن‌عده از نمایندگان مجلس مؤسسان که شرم از خدا نکنند و خود را برای تجدیدنظر در قانون اساسی مأ‌مور حقیقی ملت قلمداد کنند کافی است که گفته شود بر طبق اصل ۲۷ متمم: (شرح و تفسیر قوانین از وظایف مختصه مجلس شورای ملی است) همچنانکه در دوره ۲ تقنینیه و وکلای حقیقی ملت اصل هفتم قانون اساسی راجع به حدنصاب عده حضار در موقع مذاکره و رأی را در ۱۶ ثور ۱۲۹۰ (هفتم جمادی‌الاول ۱۳۲۹) تفسیر کرده‌اند و اکنون این مجلس هم صلاحیت آن را دارد که مصوبات مجلس

۱ - سابقاً " دوره مجلس دو سال بود که بعد از ۲۸ مرداد به چهار سال افزایش دادند.

مؤسسان را تفسیر کند برای ملت ایران هم که حاضر نیست در قانون اساسی غیر از نمایندگان حقیقی ملت تصرفاتی بکنند کافی است که ما اصل ۴۸ را دست نخورده به جای خود بگذاریم و ثابت کنیم هر مجلسی که کار خوب بکند مرضی خاطر ملت ایران است لذا امضاءکنندگان، ماده واحد ذیل را به قید دو فوریت پیشنهاد و برطبق ماده ۱۳۹ تجدیدی آئین نامه درخواست می‌نمائیم که بلافاصله در همین جلسه مطرح شده و نسبت به آن با مهره سفید و سیاه اتخاذ رأی شود.

ماده واحد مراد از اصل ۴۸ مصوب در هفتمین جلسه مجلس مؤسسان ۱۲۳۸/۲/۱ این است: (هرگاه مطلبی که از طرف وزیرى پس از تنقیح و تصحیح در مجلس سنا به مجلس شورای ملی رجوع می‌شود قبول نیافت در صورت اهمیت مجلس ثالثی مرکب از اعضای مجلس سنا و مجلس شورای ملی به حکم انتخاب اعضای دو مجلس و بالسویه تشکیل یافته در ماده متنازع فیها رسیدگی می‌کند نتیجه رأی این مجلس را در شورای ملی قرائت می‌کنند اگر موافقت دست داد فیها والا شرح مطلب را به عرض ملوکانه برسانند. هرگاه رأی مجلس شورای ملی را تصدیق فرمودند مجرا می‌شود و اگر تصدیق نفرمودند امر به تجدید مذاکره و مذاقه خواهند فرمود و اگر باز اتفاق آراء حاصل نشد و مجلس سنا با اکثریت دو ثلث آراء انفصال مجلس شورای ملی را تصویب نمودند و هیئت وزراء هم جداگانه انفصال مجلس شورای ملی را تصویب نمودند فرمان همایونی به انفصال مجلس شورای ملی صادر می‌شود و اعلیحضرت همایونی در همان فرمان حکم به تجدید انتخاب می‌فرمایند و مردم حق خواهند داشت منتخبین سابق را مجدداً انتخاب کنند)

حالا بسته به نظر خودتان است من فداکاری خود را کردم و امروز وظیفه ملی خود را انجام دادم. آنها تصویب کنید من افتخار خود را می‌برم و تصویب هم بکنید بار هم افتخار خود را می‌برم.

حالا اگر آقایان می‌خواهند مجلس دوره ۱۶ در صفحه تاریخ نامی بگذارد

ابداً " صحبتی نکنید و مخالفت و موافقت ننمائید و این لایحه را یا تصویب و یا رد کنید شاید عده زیادی هم از آقایان مخالف باشید ولی در این صورت بیایید و رأی بدهید مخالف یا موافق اگر طرح را رد کردید قهراً " مجلس مؤسسان را تصویب کرده‌اید و تا حدی رفع شبهه می‌شود از مردم که می‌گویند شاید حقیقتی داشته باشد ولی در غیر این صورت به وحدانیت حق مردم به این مجلس و هم به مجلس مؤسسان به نظر دیگری نگاه می‌کنند .

حالا این طرح بنده می‌باشد که در چهار نسخه تهیه شده و چهار نفر از آقایان آن را بگیرند و برای امضاء نزد آقایان نمایندگان ببرند و هر طور که می‌خواهند رأی خود را اظهار بدارند و حالا چهار نفر جوانمرد می‌خواهم (خنده نمایندگان) (مکی - خودتان معین کنید) .

(در این موقع که مجلس یک وضع هیجان‌انگیزی به خود گرفته بود تمام انظار متوجه آقای دکتر مصدق بود و سکوت محض بر سراسر مجلس حکومت می‌کرد آقای دکتر مصدق اظهار داشتند (هل من یبصرنی - بخیر) .
(رئیس - این موضوع مطرح نیست نطق قبل از دستور است) .

آقایان مکی و بقائی و صالح و شایگان از جای برخاستند و به طرف تریبون رفتند که نسخ را از آقای دکتر مصدق بگیرند (دکتر مصدق باز هم نمایندگان جبهه ملی) .

آقایان فوق‌الذکر طرح را نزد یک یک آقایان نمایندگان می‌بردند آقای دکتر مصدق همچنان پشت تریبون ایستاده بودند و جریان کار را مشاهده می‌کرد

رئیس - این موضوع مطرح نیست (سه نفر از آقایان نمایندگان یعنی آقای صالح و نریمان و اسلامی نوبت نطق خود را به آقای مصدق دادند که ایشان به عنوان قبل از دستور صحبت کنند (اسلامی - من وقتم را ندادم) .
(رئیس - من از شما سؤال کردم) .

(مصدق خطاب به اسلامی - من خواهش می‌کنم در عالم همکاری

مخالفت نفرمائید) (آشتیانی زاده خطاب به اسلامی - حالا لطف کنید) .
در این موقع چهار آقایان مذکور طرح‌ها را نزد هریک از نمایندگان
که می‌بردند چون استقبال شایانی از طرح نمی‌شد آقای دکتر مصدق خطاب
به آقایان اظهار داشتند بفرید نزد قدما ایمان نزد قدما است .
اسلامی - این موضوع مطرح نیست . وقتی نطق قبل از دستور تمام
شد این موضوع باید مطرح شود .

دکتر مصدق نطق‌های قبل از دستور ارزشی ندارد و باید قدم‌های مؤثر
برداشت (اسلامی - مطالب من خیلی مهم است) دکتر مصدق - البته این
فرمایشات سرکار هم در نظر گرفته خواهد شد (یکی از نمایندگان - ما مخالفیم
این طرزکار مجلس نیست) (جمال امامی - خطاب به رئیس، شما باید این
مطلب را بگوئید) (نورالدین امامی - این چه وضع مجلس است من هیچ
الزامی ندارم امضاء کنم)

رئیس - هیچ الزامی نیست که کسی امضاء کند ولی من هم معتقدم باید
قبلاً "تهیه بشود و در موقع ورود در دستور اگر موجبات قانونیش فراهم شود
در دستور قرار بگیرد یک فراقسیون‌هایی هم هست که مطلبی که لازم است
باید قبلاً" در آنجا مطرح شود (نورالدین امامی - ما اصلاً "چه صلاحیت
داریم که در باب مجلس مؤسسان صحبت کنیم) .
حائریزاده - چه مجلس مؤسسانی؟ یک عده را نصب کردند به اسم
مجلس مؤسسان (همهمه شدید) .

دکتر مصدق - بنده آن طرح نفت را هم همینطور به مجلس آوردم و
۸۰ امضاء شد و بعد رفتند در خارج اقدام کردند که امضاهایشان در صورت
جلسه منعکس نشود (تیمورتاش - این با آن فرق دارد بگذارید حرفمان را
بزنیم) .

دکتر مصدق - پس آشکار شد که از این مجلس برای مملکت قدمی برداشته
نمی‌شود (همهمه شدید نمایندگان - زنگ منند رئیس) (نورالدین امامی -

به صدای بلند - اخطار دارم) .

آقای دکتر مصدق - من این طرح را از این نظر پیشنهاد کردم که نمایندگان مجلس از این تزلزل و نگرانی خارج شوند (همیشه شدید نمایندگان - ما هیچ تزلزلی نداریم) .

در این موقع مجلس سخت متشنج بود و هیجان مخصوصی آن را فرا گرفته بود و عده‌ای از نمایندگان سخت به هیجان آمده بودند - آقای دکتر مصدق به صحنه مجلس نظر کرد و پس از آنکه قدری مجلس آرام شد اظهار داشتند بنده این طرح را از این نظر دادم که نمایندگان از نگرانی و تزلزل در آیند تا اگر بنا است مسائلی راجع به نفت اظهار شود حربه‌ء انحلال پشت‌گردن آن‌ها نباشد و بتوانند نظر خود را آزادانه راجع به نفت اظهار کنند (جمال امامی - اگر راست می‌گوئید طرحی برای نفت بیاورید ما امضاء کنیم) دکتر مصدق - آن امضاء ندارد آنکه شما می‌خواهید امضاء کنید امضاء ندارد .

آقای دکتر مصدق - در تمام دنیا قضات دادگستری غیر قابل تغییر هستند و اگر لایتنیر نباشند نمی‌توانند کاری کنند نمایندگان هم در دوره تقنینیه باید مصون باشند و این طرح را برای انجام این منظور من پیشنهاد کردم تا آقایان محکم سر جای تان بنشینید و رأی بی که می‌خواهید بر روی اصل آزادی نسبت به هر امری بدهید ولی حالا اگر نخواستید بسیار خوب من یک نفر ایرانی هستم و از همه چیز خود در راه مملکت و برای خیر مردم می‌گذرم و تاریخ شهادت خواهد داد که خدمت می‌کنم (چند نفر از نمایندگان - همه خدمت می‌کنند) والا من با این مجلس کاری ندارم و کسالت دارم و باید استراحت کنم حالا از آقایان محترم خدا حافظی می‌کنم و امیدوارم بنده را از همکاری خودتان اخراج بفرمائید

فقط نمایندگان نامبرده زیر طرح را امضاء کردند : دکتر مصدق -
حائریزاده - آزاد - حسین مکی - دکتر شایگان - بقاشی - نریمان -

سید علی بهبانی - الهیار صالح - کاظم شیبانی - آشتیانی زاده - کشاورز صدر ،
آقای اسلامی در جواب آقای دکتر مصدق گفتند - می‌گویند مجلس
شورای ملی را منحل می‌کنند . به درک که منحل کردند مگر ما کیسه زر
دوخته‌ایم که استفاده ببریم ما هر چه داشتیم در راه نمایندگی خرج مردم
کردیم مجلس مؤسسانی هم تشکیل شد درست یا غلط من آنجا رأی داده‌ام حالا
بیایم بگویم غلط کردم آخر شما یک توقعی هم بکنید که عملی باشد
(جمال امامی - اصلاً " صلاحیت نداریم) آقای دکتر طرحی تقدیم کردند که
لایحه انتخابات و لایحه مطبوعات مقدم بر لایحه نفت باشد ، بسیار نظر خوبی
است اما از همه مهمتر به عقیده من لایحه نفت است آنرا نمی‌خواهند مطرح
شود .

آقای تیمور تاش - موضوع مجلس مؤسسان من نمی‌دانم چه بوده چون
دخالت نداشتم ولی اینکه می‌گویند نمایندگان از اینجا بیرون نروند و این
حقی را که به وسیله دیگری به شاه مملکت داده شده از او سلب کنند یک حرف
اساسی نیست (دکتر بقائی - احسن بر شما) بنابراین از آقای دکتر مصدق
خواهش می‌کنم که به مجلس برگردند .

مکی اینجا است - جائی نرفته او تا آخرین قطره خونس را هم در راه
مملکت خواهد ریخت (چند نفر - همه این کار را می‌کنند) .

تیمور تاش - آقای مکی نگذار دهانم را باز کنم در هر حال تقاضا می‌کنم
که آقای دکتر مصدق تصور نفرمایند که ریختن خون در راه مملکت مخصوص
اشخاص بخصوصی است (دکتر شایگان - تا مردم چه بگویند) .

جمال امامی - آقا حالا موقع این نیست (با عصبانیت) تا لایحه انتخابات
و مطبوعات مطرح شود ما باید شکم مردم را سیر کنیم اگر این آزادی است
من با این آزادی مخالفم (دکتر شایگان - پس نتیجه این مقدمه چنین بود)
بله آقا اگر ۱۵ ملیون نفر بخواهند دیکتاتوری کنند من ترجیح می‌دهم که
یک نفر دیکتاتوری کند (عده‌ای از نمایندگان صحیح است) (دکتر بقائی -

می بینم روزی که همه را به دار بکشند)

(موافقت دولت منصور) در جلسه علنی ۱۳۲۹/۳/۲۸ مجلس شورای ملی

آقای منصور به حرف آمد و نظر دولت را در مورد نفت چنین بیان کرد . . .
در جلسه قبل بنده راجع به نفت عریضی کردم و هیچ نظری نداشتم جز
انجام وظیفه و صلاح مملکت ، بنده گفتم مطلبی معوق مانده و اینطور معوق
ماندن صحیح نیست زیرا بالاخره نفت منبع عایدی و دخل مملکت است و باید
سعی کنم که حق خودمان را بگیریم و حتی همه معتقدند که هر چه ممکن است
بیشتر هم بگیریم (صحیح است) این مطلب یعنی مسئله نفت در زمان بنده
طرح نشده و در تقاضای آن هم زرنگی نبوده . من گفتم در دوره ۱۵ مجلس
این مسئله طرح شد ولی به نتیجه نرسید . مطلبی در مجلس معمولاً "قطعی
تلقی می شود که منتهی به رأی شود یا مثبت یا منفی (صحیح است) .

من عرض کردم که این مسئله باید تکلیفش روشن شود (عکس عقیده
خودتان چیست) (نخست وزیر - گوش بده آقا) (دکتر مصدق - عقیده
خودت چیست آقای دولت) ؟ .

منصور - بنده می گویم کمیسیونی از عده ای از آقایان تشکیل شود تا
برسند به این لایحه در اطرافش تحقیق کنند موشکافی کنند (دکتر مصدق -
کمیسیون تشکیل شود تا قضیه لوٹ شود) ؟ .

جمال امامی - بنده در موقعی که عضو دولت بودم این لایحه را امضاء
نکردم و عقیده دارم دولت این لایحه را پس بگیرد و پس از یک ماه لایحه
دیگری که منافع ایران بیشتر تأمین شده باشد بیاورد زیرا این حرف مفت
است که ما بگوئیم می توانیم این قرارداد را لغو کنیم و به هم بزنیم کسانی
که این حرفها را می زنند دروغ می گویند تا به این قرارداد سروصورتی داده
نشود ما نه تأمین سیاسی داریم و نه اقتصادی بنابراین باید هر چه زودتر
منافع ایران از نفت تأمین شود و مملکتی باشد که آقای دکتر مصدق پیشوای
ملی باشند .

دکتر مصدق بنده دوگله از آقای جمال امامی دارم یکی اینکه خوب بود راجع به موضوع نفت از آقای نظام امامی که کمیسر نفت هستند اطلاعی می‌خواستند و بعد اینجا این اظهارات را می‌نمودند و یک نکته دیگر هم در ضمن نطقشان فرمودند که در زمان رضا شاه فقید ۱۵ ملیون آزاد بودند و پانصد نفر مقید و حالا بر عکس است در صورتی که به نظر بنده صحیح نیست .

اما راجع به وضع عمومی مملکت خدا شاهد است که باید اصلاحات اساسی هر چه زودتر به‌منفع عموم مردم شروع شود و بنده هم این نکته را به آقای منصور برای اولین مرتبه که به منزل بنده آمدند گفتم . مرحوم نصرت‌الدوله در دوره ششم در مجلس به بنده گفتند باید مملکت‌پولی داشته باشد که به اصلاحات دست‌بزند و برای این منظور عایدات نفت را جزء ذخیره عمومی کشور کردند و بعد هم تمام خرج خرید اسلحه شد و نتیجه‌اش را هم که می‌دانیم^۱ در دوره پانزدهم عین این عمل شد که عایدات نفت را به سازمان برنامه دادند که بنده در اینجا صریحا "می‌گویم که این عایدات خرج ملت ایران نشده و نمی‌شود .

در جلسه دیگر دکتر مصدق گفت : اگر واقعا " دلیل عدم امضای آقای نخست‌وزیر همین است که این لایحه به زبان مملکت است چرا آن را در مجلس اظهار نمی‌کنند امضای دولت نظر مجلس را تغییر نمی‌دهد و مجلس می‌تواند پس از اینکه دولت موافقت خود را به لایحه اعلام داشت مثل معمول وارد مذاکره و شور شود . بنده عرض کردم که قبل از تصویب قانون انتخابات و قانون اصلاح حکومت نظامی و قانون مطبوعات صلاح نیست که لایحه نفت مطرح شود و نمی‌دانم که عجله آقای نخست‌وزیر برای طرح لایحه الحاقی از چه نظر است چنانچه در جواب این سؤال اظهار کند که تأخیر در کار لایحه

۱ - در سوم شهریور همه اسلحه‌ها از بین رفت و به‌هیچ دردی نخورد .

نفت باعث می شود اوضاع کشور درهم و برهم شود بنده پاسخ می گویم که این جواب آقای نخست وزیر در ما نمایندگان ابدأ " اثری نمی کند آن هائی که می خواهند از این مملکت استفاده کنند به نوکرهاى خود می گویند تا مقدماتی بچینند که نقشه خود را عملی کنند قبل از کودتا آزادی در مملکت بیشتر بود من بکرات از رجال مملکت شنیدم که می گفتند ما هرگز نباید زیر بار قرض بیگانه برویم زیرا برای هر قرضی وام دهندگان امتیازاتی می خواهند که در نتیجه ما را از بین ببرند . اکنون هم ما در همان وضعیات قرار گرفته ایم .

من از آقای نخست وزیر می پرسم نخست وزیری که فرزند این آب و خاک است نخست وزیری که چندی قبل در شورایی عالی برنامه بوده و ماهی پنج هزار تومان حقوق گرفته است اتومبیل گرفته است (نخست وزیر - حقوق گرفتن که عیب نیست) و امروز هم که نخست وزیر مملکت است حقوق خوب می گیرد و اتومبیل دارد و در طول عمرش هم از این مملکت استفاده های شایانی کرده است و همه چیز خود را از این مملکت دارد آیا ایشان نباید در این لایحه اظهار نظر کند . اگر در طرح آن مانعی نیست چرا ایشان برنمی خیزند بگویند که این لایحه به زیان مملکت نیست اگر ایشان که یکی از رجال این مملکت اند اظهار نظر نکنند پس چه کسی باید این عقیده را اظهار کند .

..... این رأی هائی که مردم تهران به من دادند از نظر شخص من نبوده بلکه برای این بود که من با نفت مخالفت کردم ناطق در حالیکه ادای آقای منصور را در می آورد گفت نگویید من موافق نه نه من مخالف نه نه (خنده حضار) با صراحت لهنه برحیضید و تشریف بیاورید پشت تریبون اگر با لایحه مخالف نیستید بگوئید نیستم بعد تشریف ببرید . منصور - آقا لایحه است که دولت سابق داده و موقوف مانده و تکلیفش معلوم شده و به موجب آئین نامه هم دولت می تواند تقاضای طرح آن را بکند تا مذاکره اش تکمیل شود (دکتر مصدق - پرسیدم شما مدافع لایحه هستید یا نه ؟ بفرمائید موافقت یا مخالف ؟) (دکتر بقائی - از لایحه چه کسی دفاع

می‌کند) (بخست وزیر - اگر لایحه به کمیسیون برود البته دولت هم در کمیسیون حاضر می‌شود) .

آزاد (۱۳۲۹/۴/۴) «من امروز می‌خواهم از طرف حزب استقلال راجع به نفت سخن گویم حزب استقلال معتقد است که این قرارداد نفت برای ایران هم موجب ضرر سیاسی گردیده و هم ضرر اقتصادی را باعث شده است دولت انگلستان هم به این ماده نیاز فراوان دارد و فهمیده است که اگر ملت ایران آزاد باشد و مجالس مقننه اش طرفدار منافع ملت ایران باشند به دلخواه خود موفق نمی‌شود که قراردادی درباره نفت منعقد کند . بنابراین همیشه در صدد است که حکومت دیکتاتوری بسازد و وجود آورد و با یک مجلس ساختگی قرارداد نفت را آنطوری که دلش می‌خواهد از تصویب بگذراند .

در سال ۱۳۱۲ همین کار را کردند و قرارداد نفت را تصویب نمودند من معتقدم که خرابی وزارت دادگستری و اقتصاد ملی حتی هرج و مرج در عقاید و آراء عمومی هم از نفت است کسی که در این باره مطالعه زیاد کرده معتقد است که باید این قرارداد لغو شود .

همانگونه که دیدید دولت منصور حتی حرأت و حساب این را نداشت که بگوید آیا مدافع قرارداد است یا نه و در برابر جنبه ملی و دکتر مصدق که متکی به افکار عمومی بودند در مانده بود و نمی‌توانست که چه بکند و چه بگوید . شرکت نفت و بریتانیای کبیر برای پیسرف کار خود تنها چاره آن دیدند که راه را برای روی کار آمدن دولت رزم آرا باز کنند و مانع سیزتر شدن هر چه پیسرف افکار نموده مردم شوند .

از سوی دیگر ایسادیگی دکتر مصدق درباره این که لوایح استحقاقات ، مطبوعات ، اصلاح حکومت نظامی باید مقدم بر لایحه نفت باشد دولت منصور را در سبب قرار داده بود زیرا با توجه به درخواست های مردم در مورد تصویب لایحه مربوط و معید بودن آنها ، تصویب قرارداد نفت برای مدتی به تأخیر می‌انجامد و آگاهی مردم نسبت به سیاست نفت بیسر می‌شد

در حالی که دولت می‌خواست تنها کار نفت سرانجام پذیرد .
دولت‌منصور برای در دست داشتن قدرت می‌پنداشت که یکسره کردن
کار نفت نخستین شرط است و به دیگر لوایح که از قدرت دولت می‌کاست و
حرکت ضد امپریالیستی توده مردم را تندتر می‌کرد با نظر دیگری
می‌نگریست .

دکتر مصدق می‌خواست که با تصویب این لوایح ، مردم را در برابر
شرکت نفت تواناتر و آگاه‌تر کند و همین‌نکته هیئت حاکمه آن‌روزی را که
منصور مظهر آن بود نگران کرده بود چون پیش از تصویب آن‌ها نیز خود را
قادر به جلوگیری از طغیان احساسات و غلیان افکار عمومی نمی‌دیدند .
سرانجام منصور بهتر آن دید که پست نخست‌وزیری را با سفارت در
رم تعویض کند و خود را از دردسر و درگیری با مردم برهاند .

حال پیش از این که ما وارد گفتگو درباره حکومت رزم‌آراء شویم بهتر
است نگاهی به دیگر رویدادهای این دوران بیندازیم . پزشکان سیاست این
زمان که غالبشان از رجال فراموش‌خانه (فراماسورنی) بودند تا حدی کنترل
و تمرکز فکری را در برابر سیل خروشان احساسات توده مردم از دست داده
بودند و تلاش می‌کردند که با بگیر و بمبندها مانع گسترش هر چه بیشتر افکار
عمومی شوند و از این‌روی کارگذاران گوناگونشان در پست‌های حساس از هیچ
کاری روی‌گردان نبودند .

بناباه گفته الهیار صالح در جلسه ۱۳۲۹/۳/۲۵ ، افرادی چون
صدرالاشراف^۱ استاندار خراسان نسبت به حقوق مردم تجاوز نموده و گروهی
از اعضاء حزب ایران را از آنجا تبعید کرده‌بود . در همین جلسه آقایان
دکتر شایگان و دکتر بقائی نسبت به گماشتن بیگانه پرستان در رأس کارها

۱ - ایشان از گماشتگان محمدعلی‌شاه و از مخالفان مردم ایران در
مبارزات نفت و به جلاد باغشاه یا مستنطق باغشاه مشهور بودند .

اعتراض کردند .

دکتر شایگان در این باره گفت : «وقتی که شخص شخیص آقای شاهرخ را به ریاست تبلیغات انتخاب کردند مقارن شروع انتخابات بود و ما که به مجالس انتخاباتی می‌رفتیم مردم تعجب می‌کردند که چگونه شخصی که مسلمان نیست از طرف دولت به ریاست تبلیغات انتخاب شده است تعجب مردم آنگاه بیشتر می‌شد که می‌دیدند این شخص سابقه اداری هم ندارد و برای گذاشتن او در رأس تبلیغات تصویب نامه گذرانده‌اند و موقعی که مصدر این کار شدند دوسیه منافی عفت از ایشان پیدا شده است .

دکتر بقائی - این آقا به دربار سلطنتی توهین کرد و گفت عاقبت گرگ زاده گرگ شود . . . حالا انگلیس ها او را سرکار گذاشته‌اند (عده‌ای - او را برمی‌دارند) .

دکتر بقائی - نمی‌توانند او را بردارند زیرا جاسوس انگلیس‌ها است . رئیس - این حرف‌ها چیست ؟ همین الان آقایان نمایندگان طرحی بنویسند و امضاء کنند تا من موضوع را مطرح کنم و به بینید چطور او را بلند می‌کنند (بقائی - شما هم نمی‌توانید) . . .
گفتیم که کارگذاران بیگانه برای چپاول بیت‌المال در پست‌های حساس گمارده می‌شدند . می‌توان گفت که به جز دوران صدارت کوتاه دکتر مصدق ، در دوران پهلوی با دست اینگونه کارگذاران منافع بیگانه به شیوه قاطعی حفظ می‌شد و ما اسنادی را از زبان حسین مکی از جلسات ۱۴ و ۱۶/۳/۱۳۲۹ می‌آوریم .

حسین مکی : «شنیده‌ام نامه‌ای اداره اقتصاد انگلستان نوشته است که باید شکر را به این قیمت (تنی ۳ یا ۴ لیره گرانتر از معمول) از ما بخرند (پیراسته - چنین نامه‌ای نیست) خیلی چیزها هست که می‌گوئید اینطور نیست و ملت ایران قضاوت آن را کرده است . . .

« یک‌نامه از طرف نماینده دولت ایران به رایزن سفارت انگلیس

نوشته شده است، می‌خوانم تا آقایان بدانند که اصولاً "سعی می‌شود که معاملات دولت با انگلستان عمل شود مثل معامله شکر و معامله لوله‌کشی تهران که لایه می‌گویند چون لوله‌های انگلستان گشادتر از لوله‌های سایر کشورها است باید حتماً" از آن کشور خریداری شود همانطور که لایه چون شکر انگلستان شیرین‌تر از سایر کشورها بود معامله شکر را با آن دولت کردند. از این گذشته ما گفتیم که معاملات با انگلستان هیچ نوع تضمینی ندارد. این حالت یک نوع استعمار اقتصادی دارد که انگلستان می‌خواهد ما را بدینوسیله استثمار کند. من نامه دولت را به رایزن سفارت انگلیس قرائت می‌کنم...

شماره ۸۳۷۶ - ۱۳۲۸/۲/۳۱. آقای جان واکر رایزن سفارت کبری

انگلیس در تهران عطف به نامه شماره ۲۵۲/۲۵/۴۹ مورخ ۴ مه ۱۹۴۹ راجع به خرید شکر مورد نیاز ایران اشعار می‌دارد همانطور که جناب آقای نیکپی معاون این وزارتخانه حضوراً "به شما تذکر داده‌اند وزارت دارائی کمال رضایت را از معامله با فروشندگان انگلیسی داشته و همواره مراقب بود که احتیاجات کشور ایران از فروشندگان انگلیسی خریداری شود و حتی حرفی نداشت که شکر انگلیس‌ها را نظر به اینکه از حیث جنس رجحان دارد قدری هم گرانتر از محصول سایر نقاط خریداری نماید.

ولی متأسفانه در این اواخر مشاهده شده که قیمت شکر انگلیسی با پیشنهاداتی که از منابع امریکائی می‌رسد تفاوت فاحشی دارد یعنی در موقعی که پیشنهادات چندی برای فروش شکر امریکائی یا کوبائسی به قرار تنی حد متوسط ۱۳۵ دلار به ما داده شد فروشندگان انگلیسی ۳۳/۳ لیره و ۳۳/۱۵ لیره پیشنهاد نمودند که بدیهی است چنین تفاوتی آن هم برای مقادیر عمده که ما خریداریم قابل تحمل نمی‌باشد.

از اینکه شما وعده دادید که موضوع را به اولیاء امور در لندن تذکر داده و مساعدت آن‌ها را برای تجدیدنظر در نرخ پیشنهادی جلب نمائید

کمال تشکر حاصل است ولی متأسفانه آخرین پیشنهادی که از دلال‌های انگلیسی واصل شده به قرار تنی ۳۳/۱۵ لیره بوده که به نظر از حدود اعتدال خارج است. موجب خوشوقتی و امتنان خواهد بود چنانچه شما بتوانید تخفیفی در قیمت به دست آورید تا وزارت دارایی هم بتواند معاملات خود را با فروشندگان انگلیسی مثل پیش ادامه دهد. . . وزیر دارایی، گلشایان.

«بنابراین ملاحظه می‌فرمائید که سعی می‌شود ایران را در استثمار اقتصادی انگلیس قرار دهند زیرا با اینکه خود آقای وزیر دارایی به تفاوت قیمت فاحش درنامه^۴ خود اشاره کرده مع الوصف رفته و شکر را از انگلستان خریده است و قضیه لکوموتیو هم همینطور است. . . . حتی می‌توان گفت که قضیه لکوموتیو از این هم بدتر است وقتی که وزیر دارایی می‌گوید قابل تحمل نمی‌باشد یا از حدود اعتدال خارج است با وجود این که پول نقد هم می‌دهیم معلوم نیست چرا معامله به هم نمی‌خورد بلکه تضرع می‌نماید که تخفیفی داده شود تا مثل گذشته با انگلیسی‌ها معامله گردد. . .

تردید نبود که افرادی چون ساعد، منصور، هژیر، اقبال، گلشایان و . . . در خدمت امپریالیسم انگلیس بودند و گرنه ناچار نبودند که اجناس مورد نیاز را گرانتر از آنان بخرند. پس برای چه آگهی مناقصه می‌دادند؟ گو اینکه وجوه آگهی‌های مناقصه یا مزایده به جیب روزنامه‌های خاصی می‌رفت.

دادن آگهی‌های داخلی هم به حدی سر و صدا کرده بود که فرامیزی مدیر کثیرالمسلک روزنامه کیهان در مجلس پیشنهاد کرد آگهی‌های دولتی به استثنای دو روزنامه اطلاعات و کیهان به دیگر روزنامه‌ها نیز داده شود تا از سالی چهارصد هزار تومان پول آگهی‌ها آن هم در آن زمان بی‌پولی

به دیگران هم سهمی برسد. ۱

عبدالرحمن فرامرزی این پیشنهاد را نه به جهت رعایت اصول بلکه بدین سبب داده بود که خودش روزنامه‌ء دیگری به نام بهرام منتشر می‌کرد و می‌خواست که در آنجا هم از وجوه آگهی‌ها سهمی داشته‌باشد.

اما در مورد خرید لکوموتیوها، دکتر اقبال وزیر کشور کابینه‌ء ساعد که در کابینه‌ء منصور وزیر راه شده بود در جلسه ۱۳۲۹/۳/۱۴ مجلس شورای ملی طی یک سلسله سفسطه گفت: «چون طبق نظر کارشناسان، هم جنس فولاد انگلیسی مرغوب‌تر از آلمانی است و هم از طرفی معلوم نیست پیشنهادات تخفیف شرکت کروپ آلمانی در مرغوبیت جنس ذی‌اثر نباشد لذا نظر بنگاه راه‌آهن این است که معامله با کارخانجات انگلیس انجام شود. . . . و مراتب به همین ترتیب به نماینده کارخانجات انگلیس اطلاع داده شده است. ۲

این شگفت‌آور نیست زیرا چند سال پس از این که دکتر اقبال نخست‌وزیر شد، شهردار ایشان (موسی مهام) در پاسخ روزنامه‌نویسان که پرسیدند برای چمن‌کاری شهرتهران به جای تخم چمن هلندی چرا تخم چمن انگلیسی خریده‌اید؟ گفت: «چون تخم چمن انگلیسی با آب و هوای ایران سازگارتر است.»

بازی هر زمان که منافع بیگانه در این کشور تأمین باشد و استقلال (اقتصادی، سیاسی، اجتماعی) ایران متکی به امپریالیسم شود کشور در کمال سکوت و سکون و آرامش است و هنگامی که پنداشته شود چپاول بیگانه به خطر افتاده یا خواهد افتاد ناراحتی و آشوب به راه می‌افتد و مقدمات هرج و مرج فراهم می‌شود.

حالا اگر ته‌مانده‌ای هم پس از غارت امپریالیسم به جای بماند از آن

جیره خواران سفره بیگانه می‌گردد و تاریخ ایران این را به روشنی نشان داده است که این وجوه به کجا می‌رود و ما برای آگاهی نسل جوان اشاره‌ای داریم . در بودجه‌ای که در خرداد سال ۱۳۲۹ به مجلس داده شد مبلغی به عنوان محرمانه منظور شده بود و معلوم نبود که این بودجه‌هایی را که نخست‌وزیری ، ارتش و دیگر وزارت‌خانه‌ها داشتند چیست و به چه مصرفی می‌رسید . حتی نمایندگان مجلس هم در این باره آگاهی نداشتند . در آن زمان این پول‌ها صرف خرید وجدان‌ها و ورق‌پاره‌هایی می‌شد که مردم آن‌ها را به نام روزنامه‌های نفتی می‌نامیدند در حالی که به گفته ظریفی در آن هنگام بخشی از معلمان کشور از گرسنگی یونجه می‌خوردند .

در آن زمان که گرسنگی بیداد می‌کرد و از فرهنگ ، بهداشت خبری نبود . مالیات‌هایی را که از مردم گرسنه و بینوا می‌گرفتند چون امروز برای گروهی بدنام خرج می‌کردند و ما در اینجا لیستی از آن را می‌آوریم و آن لیست ارزهای پرداختی به افراد به ظاهر دانشجو در بیرون از کشور است .

- ۱ - حسن خواجه‌نوری ماهانه ۴۸۷۵ ریال^۱ - ۲ - ضیاء طاهری
- ۳ - امیرحسین امیرفضلی ۴ - حسین نصر ۵ - حسین دوالریاستین
- ۶ - عباس بیهبانی ۷ - فریدون جهانگیر ۸ - همایون ۹ - فرهاد سپهبدی
- ۱۰ - فاطمه سپهبدی ۱۱ - پروین سپهبدی (فرزندان سناتور سپهبدی)
- ۱۲ - عمیدی ۱۳ - امیرحسین عدل ۱۴ - فریدون عدل ۱۵ - قدیمی
- ۱۶ - مظفری ..^۲

این صورت تنها مال آمریکا بود و اکنون که سال‌ها از آن زمان می‌گذرد

۱ - پسر خواجه‌نوری معاون سابق وزارت‌دارائی و از ثروتمندان به نام که شاید در آن زمان ماهانه پنجاه هزار تومان عایدی داشت . بیشتر این استفاده کنندگان از ارز از الیکارشی (خاندان‌های حکومتگر ایران) می‌بودند

۲ - در آن زمان اشل حقوق ۱۶۰۰ ریال و کمتر بود .

یک بار دیگر به اسامی بالا بیندیشید و به‌بینید که هیچ کدام این‌ها
شمارش‌ری در این کشور نشده‌اند و دردی از این ملت‌بینوا دوا نکرده‌اند .

(دولت رزم‌آراء)

فرمان ملوکانه جناب حاجی علی‌رزم‌آراء نخست‌وزیر: نظریه‌اطمینانی
که به کفایت و لیاقت شما داریم به موجب این دستخط شما را به سمت
نخست‌وزیری منصوب و مقرر می‌داریم که در تعیین هیئت وزیران اقدام و
مطابق برنامه جدیدی که اصول حکومت ملی را کاملاً "تأمین نماید با کمال
جدیت و فعالیت تحولات اجتماعی را که منظور نظر است به موقع اجراء
گذارید . کاخ سفید ۱۳۲۹/۴/۵ محمدرضا پهلوی .

تهران - رویتر - «رزم‌آراء سپهبد چهل و نه ساله از طرف
اعلیحضرت همایون شاهنشاهی به سمت نخست‌وزیری جدید ایران تعیین
گردید تا در آینده امور مربوط به سیاست داخلی و خارجی کشور را به عهده
گیرد .

دیروز سپهبد رزم‌آراء در جلسه مطبوعاتی هنگامی که اظهار داشت من
طرفدار دموکراسی و آزادی‌هستم ترس و وحشتی که در مخالفین از دیکتاتوری
وی بود مرتفع گردید انتخاب سپهبد رزم‌آراء آغاز تاریخ جدید در دولت‌های
ایران می‌باشد رزم‌آراء مرد مقتدر و تحصیل‌کرده است و به زبان انگلیسی و
روسی تکلم می‌نماید و متخصص امور جغرافیای نظامی است .

(اعلامیه حضرت آیت‌اله کاشانی)

- «بسم الله خیرالاسماء و له حمد بنا به تجاری که از حکومت‌های مطلقه
و مستبدانه دارم و زبان آن را برای مملکت و ملت به رأی‌العین مشاهده کردم
چند روز قبل پیامی توسط جناب آقای دکتر مصدق پیشوای جنبه ملی به
مجلس فرستادم و در آن نظر قطعی و حتمی خود را که مبسی بر افکار فاطمه

مسلمین و مردم آزاده ایران است در باب مخالفت یا هر نوع دیکتاتوری و استبدادی بیان نمودم

می‌خواهند مملکت را در چنگال دیکتاتوری بیندازند و ملت ستمدیده ایران را که سال‌ها طعم تلخ دیکتاتوری را چشیده و از حکومت مطلقه هزارگونه مصیبت و شکنجه دیده مجدداً "گرفتار این بدبختی عظیم نمایند

به تبعیت از افکار عامه مسلمین ناچارم مخالفت شدید و قطعی خود را از حکومتی که بر خلاف افکار عمومی و به کمک بیگانگان و تحریک و تشبیت آنان می‌خواهد زمام امور را به دست گیرد اظهار کنم و عموم مردم را برای مقاومت در مقابل این بلای عظیم که جامعه اسلامیت و ایرانیّت را به فناى عاجل رهسپار خواهدکرد دعوت نمایم و ما علی‌الرسول الالبلاغ المبین . . .

(اعلامیه جبهه ملی ایران)

جبهه ملی به ملت ایران اعلام خطر می‌کند و لازم می‌داند که علل و جهاتی را که موجب روی کار آمدن کابینه جدید شده به اطلاع افکار عمومی جهان برساند نمایندگان جبهه ملی در مجلس و همچنین مطبوعات، از دو سه هفته به این طرف اطلاعاتی را که در زمینهٔ ایجاد یک حکومت شبه کودتا داشته‌اند بدون پروا بازگو کرده و چیزی از این حقایق مسلم فروگذار ننمودند.

وضع حاضر مملکت و صحنه سازی‌هایی که در پس پرده صورت می‌گرفت نشان می‌داد که یک تشنج مصنوعی و یک بحران ساختگی در تمام شئون به منظور محو حقوق اساسی مردم در حال تکوین است و کشور ما یک بار دیگر پس از یک ربع قرن که طعم تلخ دیکتاتوری نظامی را چشیده دوباره به استبداد و رژیم مطلق‌العمانی و سلطه فردی تهدید می‌شود آن‌روز اکنون فرا رسیده و مظالم بیگانگان برای پایمال کردن حقوق اساسی و محو قانون اساسی و لگدکوب کردن استقلال و حق حاکمیت ملی ما دست‌آزاستین عوامل صدیق

و خدمتگزار خود بیرون آورده است و می‌خواهد زیر عنوان حکومت قسوی
خاطره‌های استبداد صغیر را تجدید کند .

دولت فعلی با انجام عملیات زیر پرده که بی‌شبهت به یک
کودتای نظامی نیست می‌خواهد زمام امور را به دست بگیرد و تمام پست‌های
حساس انتظامی را برای مرعوب کردن افکار تحت‌کنترل شدید نظامی قرار
دهد

دولت سابق بدون استحضار مجلسین در فاصله یکی دو ساعت از میان
رفت و حکومت جدید بدون آنکه کمترین سنن پارلمانی را رعایت کند تشکیل
و سازمان‌های مهم مملکتی را اشغال و آماده برای اجرای بقیه مأموریتی است
که انجام آن‌ها را به عهده گرفته است

بیگانگانی که به‌خواهایی از اینگونه اعمال غیر قانونی برمی‌خیزند
و افکار ملت ما را به چیزی نمی‌شمارند^۱ خوب می‌دانند چه می‌کنند و کاملاً
اطلاع دارند بچه منظور حیات یک جامعه را دچار وحشت و اضطراب و قرین
تشویش و ناامنی می‌نمایند جبهه ملی برای وفاداری به تعهداتی که در
برابر ملت ایران دارد به منظور ایفاء سوگندی که نمایندگان ما به کتاب مقدس
آسمانی یاد کرده‌اند و از نظر حفظ حقی که به افراد یک ملت تعلق می‌گیرد
به جهانیان اعلام می‌دارد که بهیچ وجه زیر بار تحمیل حکومتی که با تشبث به
بیگانه و با تحمیل و اسباب چینی آنان و به زعم تمایلات عمومی روی کار
آمده است موافقت نخواهد کرد و افتخار خواهد داشت که در راه حفظ شعائر
ملی و دینی و نگهداری مشروطیت و دموکراسی جان افراد خود را فدا کند .
ما برای مقابله با این خطری که ایران اکنون با آن روبروست نیازمند
به پشتیبانی تمام طبقات ملت و محتاج مصلحت اندیشی شاهنشاه جوان

۱ - در بدو زمامداری سپهبد رزم‌آراء دولتین روسیه شوروی و انگلیس
هر کدام به دلایلی با وی همراهی داشتند .

هستیم و نظر دقیق دنیای دموکرات و مترقی و زنده را به عظمت مبارزه شرافتمندانه‌ای که در پیش داریم جلب می‌کنیم .

جبهه ملی - دکتر محمد مصدق

انگلستان آخرین امیدش برای حل مشکل نفت دولت رزم‌آراء بود که با توافق تلویحی سیاست شمالی به روی کار آورده بود . حزب توده طبعاً بنیابه وابستگی‌های ایدئولوژیک خود به روسیه نمی‌خواست یا نمی‌توانست از مدار بسته حفظ منافع سیاست‌های «شمال و جنوب» و رعایت «منطقه نفوذ» بیرون رود .

«مبارزه برای ملی‌کردن صنعت نفت در واقع مبارزه علیه اعمال نفوذ طولانی امپریالیسم انگلیس در ایران نیز بود که خلق‌های ایران خواستار ریشه‌کن ساختن آن بودند . رهبری حزب توده نتوانست اهمیت این مسئله را درک کند .^۱»

احسان طبری در این باره در روزنامه مردم ارگان مرکزی حزب توده شماره ۱۲ مورخ ۱۳۲۳/۸/۱۹ چنین نوشته بود : «ما به همان ترتیب که برای انگلستان در ایران منافعی قائلیم و بر علیه این منافع صحبت نمی‌کنیم باید معترف باشیم که شوروی هم در ایران منافع جدی دارد . باید به این حقیقت پی‌برد که مناطق شمالی ایران در حکم حریم امنیت شوروی است و عقیده دسته‌ای که من در آن هستم (حزب توده) این است که دولت به فوری برای دادن امتیاز نفت شمال به روس‌ها و نفت جنوب به کمپانی‌های انگلیسی و امریکائی وارد مذاکره شود .^۲ این‌ها به خوبی چهره رفورمیست‌های حزب توده را نشان می‌دهد (و برخلاف دکتر مصدق که معتقد به اجرای کارهای

۱ - مجله توده شماره ۲۱ سال ۱۳۵۰

۲ - رجوع شود به یاورقی صفحه ۱۳۳

بنیادی بود) آن‌ها به‌جای دفاع از حق حاکمیت و استقلال کامل ایران در زمینه‌های سیاسی و اقتصادی سیاست‌توازن قوا را مطرح کردند و برای انگلستان و آمریکا حقی در ایران قائل شدند. . . . موضع اپورتونیستی حزب توده در مورد نفت باعث شد که در این زمان نیز در مورد شعار ملی کردن نفت منحرف شده و از توده‌ها جدا شوند. . .

روشن نبود با حکومت جنگلی که این آقایان «دارای وجدان سوسیالیستی» ایده‌آلش را پیاده کرده بودند و سه دولت امپریالیستی بزرگ را بر سر سفره ملت گرسنه ایران می‌نشانند اوضاعی بهتر از بیست و پنج سال گذشته که همین سه دولت با دیگر دوستانشان برای تغذیه نفت «تقریباً» رایگان «و تغذیه گاز «تقریباً» رایگان» نشسته بودند به وجود می‌آمد به بیان دیگر این سیاست موازنه مثبت حزب توده را شاه ایران به شیوه بارزتری اجراء کرد.

هنگامی که روزنامه «سوی آینده ارگان علنی حزب توده در ۱۳۲۹/۸/۹ نوشت «باید دانست که در شرایط فعلی و با نفوذ بی‌حسابی که سیاست‌های استعماری در ایران دارند استیفای حقوق از شرکت نفت جنوب خیالی باطل است» و جمال‌امامی سخنگوی ارتجاع نیز گفت که «ملی شدن نفت حرف مفت است» آشکار شد که تز سیاست موازنه مثبت میان سیاست‌های شمال و جنوب مورد اجراء بود. در حالی که احزاب وابسته به جبهه ملی به رهبری دکتر مصدق پیرو موازنه منفی بودند و می‌گفتند که نه نفت شمال را باید به روس‌ها داد و نه نفت جنوب را به انگلیس‌ها و امریکائی‌ها.

(معرفی دولت رزم‌آراء به مجلس)

دز ۱۳۲۹/۴/۶ رزم‌آراء دولت خود را به مجلس معرفی کرد و دکتر مصدق در این باره چنین گفت: «یک روز سردار منصور زمامدار بود و دولت در خواب رفته او سبب شد که کودتا انجام شود. دیروز هم علی منصور

زامدار بود که برای همین کار آمده بود. آن‌هایی که می‌خواستند این اوضاع برپا شود کسانی را آوردند که به واسطهٔ حب جاه و مقام به محض این که به آن‌ها گفتند استعفاء بدهید استعفاء کنند. چقدر فرق است بین رجالی که پرورش یافته عهد قدیم و دارای ایمان بودند با آن‌هایی که در دورهٔ دیکتاتوری به دوران رسیده‌اند.

مرحوم صمصام السلطنه بختیاری که در دورهٔ فترت بین مجلس سوم و چهارم به فرمان پادشاه وقت نخست‌وزیر شده بود وقتی که خواستند وثوق‌الدوله را بیاورند هرچه کردند برای استعفاء حاضر نشد و گفت تا مجلس چهارم افتتاح نشده و به من رأی عدم اعتماد نداده رئیس‌الوزراء هستم و وثوق‌الدوله این مقام را از من غصب کرده است ولی دولت منصور که به مجلس معرفی شد و ایام فترت هم نبود یک کلام حرف نزد و استعفا داد و اکنون دولتی تشکیل شده است که بزخلاف سنن پارلمانی است و ما نمایندگان جبهه ملی نمی‌توانیم با آن مخالفت نکنیم.

پیش از ملاقات اینجانب با سیه‌بدرزم آراء که برحسب خواهش خودشان در جمعه سوم تیرماه صورت گرفت با یکی از نمایندگان دربارهٔ برقراری دولت دیکتاتوری که همه‌جا زمزمه می‌شود گفتگو داشتیم. من گفتم اگر از راه آزادی و دموکراسی بتوانیم کاری بکنیم از طریق اختناق و زور و قلدری برای مردم ناراضی نمی‌توانیم کاری انجام دهیم. ما باید قانون انتخابات و مطبوعات و حکومت‌نظامی را که مغل آزادی و ترقی مملکت است اصلاح کنیم. پس از آن قدم‌های دیگری در اصلاح ادارات و امور اقتصادی و تعدیل بودجه برداریم.

او می‌گفت این حرف‌ها که شما می‌گوئید برای شب مردم شام نمی‌شود و من می‌گفتم که حکومت زور و قلدری ممکن است یک‌شب و یا اینکه چندسال به مردم نانی بدهد ولی تا خود مردم نتوانند در امور اجتماعی دخالت کنند هیچگاه صاحب نان نمی‌شوند و باید همیشه سر بی‌شام زمین بگذارند.

اصلاح قانون انتخابات سبب می شود که نمایندگان بدانند انتخاباتشان در دورهٔ بعد منوط به رضایت ملت است .

اصلاح قانون مطبوعات سبب می شود که جرائد وزراء خائن و دزدان را معرفی کنند و پیش از محاکمه روزنامه را توقیف و مدیر آن را زندانی نکنند .
اصلاح قانون حکومت نظامی سبب خواهد شد که دولت نتواند همین که مردم زبان به انتقاد گشودند حکومت نظامی را اعلان و بر مخالفین خود غلبه کند .

دولتی که از روز نخست بر خلاف سنن پارلمانی تشکیل شود . دولتی که از ابتداء با بعضی اشخاص نادرست و بدسابقه همکاری کند چطور می تواند مصدر اصلاحات واقع شود (ذات نایافته از هستی بخش - کی تواند که شود هستی بخش)

من و تمام رفقایم به یکدیگر قول شرف داده ایم و در این جلسه به ملت ایران قول می دهیم که تا جان در بدن داریم با هر حکومت انفرادی که می دانیم پس از آن یا حکومت انفرادی به رنگ دیگری برقرار می شود و یا سیاست آمریکا که به کلی از بین رفت دو دولت مجاور ما با هم بسازند قویا " مخالفت می کنیم

در این هنگام سپهد رزم آراء نخست وزیر وارد تالار جلسه شد و هنگام ورود ، جلوی در تالار سر خود را به احترام خم نمود و به مجلس تعظیم کرد به مجرد ورود وی وکلای جبهه ملی از جا برخاسته و شروع به فریادهای مخالفت آمیز کردند آقایان دکتر مصدق ، بقائی ، مکی ، آزاد ، الهیار صالح ، نریمان ، دکتر شایگان ، در حالیکه از جا بلند شده بودند با مشت های گره کرده خود خطاب به نخست وزیر فریاد می زدند برای چه آمده اید ملت ایران زیر بار دیکتاتوری نمی رود از مجلس بیرون بروید .

. عده ای در جایگاه تماشاچیان شروع به مخالفت و موافقت با نخست وزیر جدید می کردند عده ای برای ایشان کف می زدند و فریاد زنده باد

می‌کشیدند در مقابل عده‌ای نیز از جایگاه تماشاچیان و لژراید و لژنشین فریاد می‌زدند مرده‌باد رزم‌آراء مرده‌باد حکومت دیکتاتوری

آقای دکتر مصدق که از اول ورود هیئت دولت با فریادهای بیابایی ابراز مخالفت می‌کرد کم‌کم فریادش قطع شد و بر زمین افتاد در این وقت فریاد آی مردم مصدق مرد آی مردم مصدق مرد از جایگاه تماشاچیان بلند شد و وکلای جنبه‌مطلبی به‌گرد آقای دکتر مصدق جمع شدند و ایشان را از صندلی بلند و به تالار حلسه بردند دکتر طبا شروع به معایه و آقای مکی شروع به تهیه آمبول کرد و وسایل و مقدمات تزریق را فراهم کرد .

یک یا دودقیقه بعد آقای دکتر مصدق با شتابزدگی در حالیکه دکمه‌های پیراهنش باز بود و گره کراواتش را شل کرده بود سراسیمه وارد تالار شده و مجدداً " شروع به تظاهرات کرد

سپهبد رزم‌آراء پشت تریبون رفت و بعد از اینکه از پله کرسی بالا رفت و پشت تریبون رسید سمت به مجلس تعظیمی کرد و بلافاصله عده‌ای شروع به کف زدن کردند

دکتر بقائی فریاد زد سزای نابغه عظیم‌الشان همین کف‌زدن‌ها است می‌بینیم آن‌روزی را که این گردن کلفت‌ها را به بالای دار بکشند بالاخره چوب و بست‌های دیکتاتوری تابوت خواهد شد

آقای نخست‌وزیر: آقایان نمایندگان - بنده بسیار مفتخرم (دکتر بقائی - از پشتیبانی انگلیس و امریکا) که اینک به‌اتکاء به اکثریت مجلس شورای ملی مطالبی را به عرض برسانم .

روز گذشته برحسب امر اعلیحضرت همایون شاهنشاهی اینجانب مأمور تشکیل کابینه‌شدم (بقائی - با پشتیبانی انگلیس و امریکا) خاطر آقایان مستحضر است که وضع فعلی مملکت ما آشفته و در هم است و در این موقع که بنده هیئت دولت را معرفی می‌کنم با این آشفتگی مواجهیم امروز مردم این کشور دچار فقر و فاقه موحشی هستند در کوی و برزن‌ها جز

یک عده مستأصل و فقیر چیزی نمی بینم دیروز در کوجه‌ها عده‌ای از اشخاص فقیر را می دیدم که مشغول سؤال و تکدی هستند ولی امروز می بینم که فامیل‌ها با زن و بچه خود در کوجه‌ها نشسته و گدائی می کنند فقر و فاقه مملکت به جائی رسیده که تمام مردم از بیچارگی و بینوائی می نالند و اشخاص ثروتمند نیز به واسطه عدم وجود امنیت سرمایه‌های خود را با سرعت از کشور خارج می کنند و با اینگونه جملات رزم آراء نطق خویش را تمام کرد .

در سراسر تشنج آقای دکتر مصدق در حالیکه دستمال به دست داشت گریه می کرد در این موقع هیئت دولت از جای مخصوص خود برخاسته و از تالار جلسه خارج شدند در موقع خروج هیئت دولت آقای دکتر مصدق خطاب به آن‌ها گفت بروید گم شوید دکتر بقائی نیز خطاب به رئیس مجلس کرده گفت آقای سردار فاخر ننگ ابدی بر شما باد (اعتراض شدید نمایندگان (زنگ ممتد رئیس) .

آقای رئیس پس از اینکه مجلس را قدری آرام کرد خطاب به وکلای اقلیت چنین گفت : - ملت ایران مرا تقدیس خواهد کرد - بعد از مرگ ملت ایران مجسمه مرا خواهد ساخت من حفظ اصول مشروطه می کنم من می خواهم مجلس مظهر اراده ملت باشد نه اشخاص من مجلس شورای ملی و آزادی را که خوبنهای مشروطیت است حفظ می کنم من در راه مشروطیت جان عزیزم را می دهم و حفظ اصول می کنم و هیچ مقامی هم نمی تواند عقیده خود را به مجلس تحمیل کند) .

در جلسه علنی روز ۱۳۲۹/۴/۸ نیز هنگامی که آقای نخست وزیر به اتفاق آقایان وزیران وارد جلسه شدند به محض ورود آقای دکتر مصدق که سخت گرفته و عصبانی به نظر می رسید با مشت گره کرده خود با صدای بلند خطاب به هیئت دولت اظهار داشت باز شما آمدید؟ حیا نکردید آقای رئیس من اخطار دارم

آن روز که گفتم رئیس شهربانی نباید عوض شود برای این بود که ارتش

در کار مملکت دخالت نکند نه اینکه رئیس شهربانی را بردارند و رئیسی در رأس آن اداره بگذارند که ارتشی باشد و به تمام معنی تابع رئیس ستاد باشد . رئیس شهربانی ارتشی ، رئیس راه آهن ارتشی ، معاون نخست وزیر ارتشی ، سیم تلفن کل ریاست وزراء با ستاد ارتش مرتبط است خدا شاهد است اگر ما را بکشند ، تکه تکه کنند زیر بار حکومت این اشخاص نمی رویم .

آقای دکتر مصدق در حالیکه با فرط عصبانیت دست خود را روی تریبون می کوبید اظهار داشت این مجلس را خورد می کنم خورد می کنم در جلوی نخست وزیر نیز اظهار داشت شما نظامی هستید من از شما نظامی ترم من سرباز وطنم ، می کشم .

جمال امامی : آقای دکتر بقائی - قصاص قیل از جنایت که نمی شود کرد یک نفر به نام تیمسار سپهبد رزم آراء آمده و نخست وزیر شده (رئیس - این مربوط به اخطار نظام ماهی نیست) آخر گفتند خیانت می کند و نوکراجنبی هستند باید جواب داده شود (دکتر مصدق - به چه کسی گفتند) یک شخصی آمده است دکتر بقائی - به دستور انگلیس و امریکا آمده (مهمه شدید مجلس) (اعتراض چند نفر نماینده به دکتر بقائی) .

دکتر بقائی : آقایان نمایندگان محترم - تظاهر شدیدی که از طرف ما نمایندگان جبهه ملی طی جلسه سه شنبه ۶ تیر ماه یعنی در اولین لحظه ای که حکومت تحمیلی جدید در ساحت مجلس شورای ملی و خانه ملت ایران رخنه کرد به عنوان مخالف به ظهور پیوست مظهر و نموداری از مخالفت باطنی و قلبی ملت ایران با این دولت نظامی و حکومت غیر قانونی است طرز مخالفت ما به نحوی که در آن جلسه انجام شد هیچگونه منطقی جز احساسات ملت ایران نداشت و نشان داد که ملت ایران از صمیم قلب بسا هرگونه حکومت مطلقه مخالف است .

اگر آن مخالفت به صورت ابراز احساسات مخالف انجام شد برای این بود که ما آنچه از طریق اصولی و پارلمانی و خارج و داخل مجلس ممکن بود

از لحاظ جلوگیری از اجرای نقشه کنونی به عمل بیاوریم کردیم نطق‌های اصولی و مستدل ما در مجلس شورای ملی و مقالات روزنامه‌های وابسته به خوبی نشان داد که ما رعایت این نکات را کردیم .

لیکن امروز بر خلاف افکار و احساسات عمومی مردم ایران و برخلاف مصلحت مملکت و بر خلاف کلیه اصول پارلمانی سکوت اکثریت مجلس اجازه داده است این دولت به ریاست تیمسار سهبید رزم‌آراء رئیس سابق ستاد ارتش با آن همه سوابق قانون‌شکنی و آزادی‌کشی و ضد عدالت تشکیل و به مجلس بیاید و بر خلاف افکار مردم و اصول آزادی قدم در مجلس بگذارد

رزم‌آراء نیز مانند هر خودکامه دیگری با چهره آزادی خواهی به سرعت به تحکیم قدرت و گسترش سلطه خویش پرداخت و ضمن یاری به حزب توده برای مقابله با جبهه ملی با برگزیدن افرادی که مخالف افکار عمومی بودند زمینه مناسبی برای تصویب قرارداد نفت به پندار خود فراهم می‌کرد . روزنامه کشور در این باور بود که رزم‌آراء در پرونده‌های (حادثه پانزدهم بهمن ، قتل محمد مسعود ، قتل احمد دهقان ، تعویض دادستان تهران و رئیس شهربانی) دخالت داشته است . این روزنامه نوشت : «که بر خلاف قانون اساسی جناب رزم‌آراء نخست‌وزیر امروز و رئیس سابق ستاد ارتش به وسیله سیاست انگلیس و یا بهتر بگویم سیاست شرکت نفت انگلیس برای پست نخست‌وزیری این کشور تهیه شد و امروز آشکارا به اتکاء محافل آمریکا و بر خلاف افکار عمومی مردم این کشور به ملت ایران تحمیل شده است . .

قدر مسلم این است که سیاست‌های خارجی ایشان را برای مصالح ایران با این تردستی تهیه نکرده‌اند و به زمامداری نرسانده‌اند بلکه جناب نخست‌وزیر خیلی در طی طریق ناگزیرند نظریات و دستورات سیاست بیگانگان را اگر چه برخلاف مصالح مملکت و سعادت ملت ایران باشد انجام

دهند» و ما برای آگاهی بیشتر به جلسه ۱۳۲۹/۴/۸ که رزم آراء رأی اعتماد گرفت می پردازیم .

دکتر بقائی : «چندی پیش هژیر را کشتند و قاتل هم دستگیر شد . بنده و حائریزاده و مکی و آزاد را به عنوان شرکت در توطئه قتل دستگیر کردند و پیشوای ما آقای دکتر مصدق را هم تبعید کردند» و اکنون «این دولت به شاه تحمیل شده است زیرا شاهنشاه محبوب ما متأسفانه مانند آهوی معصومی!!! اسیر چنگال و پنجه های سیاست های بیگانه است .

وزراء آقای منصور صبح روز دوشنبه ۱۳۲۹/۴/۵ نمی دانستند که باید بروند . آقای منصور ساعت ۱۱ صبح در دربار استعفای هیئت دولت را تقدیم کرد .»

(آقای دکتر مصدق - حتی معامله کرد و گفت من استعفاء می دهم به شرط اینکه سفارت روم را به من بدهید و آقای جم را به جای آقای ساعد و مرا به جای آقای جم بگذارید و بهرم هم تلگراف شد و بعد راضی شد و گفت حالا استعفاء می کنم و می روم) .

دکتر بقائی : «مرحوم رضاشاه در آن نطق خودش که اول کارش بود خطاب به نمایندگان می گفت : - بنده ، بنده (خنده حضار) بله بنده تشکرات خود را خدمت نمایندگان محترم عرضه می دارم و چون تصور می کنم که دیگر مانعی برای شروع به اصلاحات نباشد عرض می کنم که از بدو شروع به اصلاحات برای تأمین اقتصاد مردم قدم های مفیدی برداشته شده است (نمایندگان آن دوره - صحیح است - صحیح است) . آن روز هم مانند امروز اکثریت می گفتند صحیح است . صحیح است (خنده حضار) .

..... بنده زائد می دانم از اینکه در این موقع وارد گزارشات و جزئیات شوم زیر نتایج عملیات مرا همه نمایندگان محترم دیده اند (نمایندگان آن دوره - صحیح است) .

خدا سلامت بدارد آقای سید یعقوب انوار را در موقعی که رضاشاه آن

نطق را می‌کرد مرتباً " با صدای رسا می‌گفت (صحیح است) و چندسال بعد وقتی رضاشاه روی کار آمد گفت (الخير في ما وقع) شما هم یادتان باشد که بعد از دیکتاتور شدن آقای سپهد بفرمائید (الخير في ما وقع) " ^۱ در این هنگام تمام حاضران حتی نخست‌وزیر و دیگر وزراء به شدت می‌خندیدند . رضاشاه در ادامه نطق خود گفت " در یک سال انعقاد مجلس شورای ملی مجال پیدا شد که دولت و ملت با وحدت فکر قدم‌های سریعی که لازم است بردارند و بنده امیدوارم که در این موقع دولت از وحدت مجلس بتواند استفاده کند و وارد عمل شود " (نمایندگان آن دوره - انشاء الله) . تیمورتاش : " شما وقتی که ادعا می‌کنید که دولتی که آمده او را شرکت نفت انگلیس آورده چطور می‌خواهید این دولت استیفای نفت را بکند (بقائی - ما هم می‌گوئیم نمی‌تواند) .

مکی - روز پنج‌شنبه یک‌نفر را مجبور کرده بودند که گاو بیاورد و جلوی مجلس بکشد و او می‌گوید من هنوز پولش را نگرفته‌ام . چرا بکشم ؟ این عمل ننگ آور است ^۲ و در دنیای امروز دیگر قابل قبول نیست . این موضوع عین جریان است که در سال ۱۳۰۳ هم در جلوی مجلس دیده شد و شتری را آوردند جلوی سردار سپه قربانی‌کنند . نقشه همان نقشه است .

دکتر مصدق : " این جناب آقا (اشاره به رزم‌آراء) شش سال رئیس ستاد ارتش این کشور بوده است و در کلیه امور سیاسی این کشور دخالت کرده است و این پریشانی اوضاع و بدبختی مردم هم‌ه‌ماش نتیجه مستقیم عملیات این آقا است . این آقا امروز می‌خواهد مصلح بشود تا حرفی شد

۱- سید یعقوب به هنگامی که رضاشاه از ایران می‌رفت گفت

الخير في ما وقع

۲ - اطلاعات ۱۱/۴/۱۳۲۹

می‌گویند شما جزء حزب منحل‌هستید. یک وقت در این کشور موضوع بهائی و روز دیگر به‌عنوان دیگر و امروز هم به‌عنوان حزب منحل‌ه مردم را می‌گیرند و نمی‌گذارند عقاید خود را بگویند

روزی خواهد آمد که این دستگاه منفجر شود و شما نه راه پس داشته باشید نه راه پیش (دکتر بقائی - به امریکا فرار می‌کنند)

اگر جنگ شد من قسم یاد می‌کنم که این آقایان (اشاره به هیئت دولت) فرار می‌کنند زیرا این‌ها اهل جنگ نیستند. موضوع دیگر موقعیت مملکت ما است. شما فکر می‌کنید در جنگ جهانی اول چرا با ما کاری نداشتند زیرا ما قشونی نداشتیم و با کشوری که قشون ندارد کاری نمی‌توانند بکنند.

اما باید دید که چرا در جنگ جهانی دوم وضع ما اینطور شد، برای اینکه راه آهن سوق الجیشی داشتیم. هر چه گفته شد که این راه آهن را به این صورت بسازید یعنی آن را از جنوب به شمال نکشید زیرا این کار به سود کشور ما نیست توجه نکردند و گفتند (فرموده‌اند) باید بدانید که رفع این همه بدبختی جز به دست حکومت متکی به افکار عمومی صورت نمی‌گیرد من آرزو مندم که به دست جناب آقا (اشاره به رزم آراء) کشته بشوم و جزء شهدای راه آزادی قرار بگیرم.

مهدی ارباب - هشت سال وقت مملکت به حرف گذشته است. دولتی آمده و می‌گوید شعار من عمل است نه حرف و من معتقدم هر چه زودتر آقایان موافقت بفرمائید که تکلیف دولت معین و مشغول به کار شود.

دکتر مصدق - آن وقت شما را دفعه دیگر از بلوچستان انتخاب کنند.

ارباب - بلی، من مجدداً "انتخاب می‌شوم".

دکتر مصدق - نباید بشوید، من همین را می‌گویم. مردم می‌آیند و می‌گویند حقوق ما را غصب کرده‌اند و ارباب مهدی را انتخاب کرده‌اند.

ارباب - دنیای ۱۳۲۹ غیر از دنیای ۱۲۹۹ است و جناب آقای رزم آراء هم غیر از دیگران است. مردی که در تمام مرزهای کشور تمام

سربازان را با سواد کرده است!! دیکتاتور نمی‌شود .
بالاخره دولت رزم‌آراء از مجلس شورای ملی رأی اعتماد گرفت .
آقایان دکتر مصدق ، دکتر شایگان ، الهیارسالاح ، محمود نریمان ، دکتر بقائی ،
حسین مکی ، حائریزاده ، عبدالقدیر آزاد مخالف و دیگر نمایندگان موافق
بودند .

(قانون تصفیه کارمندان)

یکی از لوایح مفیدی که در این زمان به مجلس آورده شد اما متأسفانه
از آن نتیجه‌نیکوئی نگرفتند لایحه قانون تصفیه کارمندان بود . می‌گویند این
لایحه پس از بازگشت شاه از سفر آمریکا و قول مبارزه با فساد در دستگاه
سیاسی و اداری ایران تهیه شد .

اعضای فراکسیون وطن (جبهه ملی) و روزنامه‌های وابسته به آن در
این راه تلاش بسیار کردند و افکار عمومی نیز خواهان اجرای دقیق آن بود
اما اکثریت بدنام مجلس که هنگام تصویب نخستین بار لایحه گمان نمی‌بردند
که خودشان نیز گیر بیفتند این لایحه را کان‌لم‌یکن کردند .

در ۱۳۲۹/۶/۱۴ دولت این آگهی را منتشر کرد : «نظر به اینکه در
روزنامه‌های مرکز مطالبی نسبت به اشخاصی که مشمول بندهای الف ، ب ،
ج ، (قانون تصفیه کارمندان) شده‌اند در ظرف چند هفته اخیر منتشر و
اظهارنظرهای مختلفی درباره طرز عمل دولت شده بود . دولت مقتضی
دانست جریان را به استحضار برساند

در تاریخ ۱۳۲۹/۵/۲ هیئت تصفیه کارمندان دولت گزارشی تسلیم
دولت کرده که در حین شروع اجرای آن مواجه با مشکلات قانونی گردیده
است

رویه‌مرفته هیئت تصفیه‌ای که دولت رزم‌آراء با سلب‌قد و افکار خاصی
تشکیل داده بود کارمندان را به سه گروه تقسیم کرد .

۱ - بند الف - کارمندی که لازم و ضروری بودند و با رعایت نیازهای واقعی سازمان‌های دولتی می‌بایست در خدمت باقی بمانند .

۲ - بند ب - کارمندی که وجود آن‌ها در خدمات دولتی لازم نبود اما امکان داشت که بعداً " در کارهای تولیدی و انتفاعی و فرهنگی از آن‌ها استفاده شود .

۳ - بند ج - کارمندی که برای دولت مفید نبودند و شایستگی برای خدمات دولتی را نداشتند و مشمول قانون بازنشستگی هم نمی‌شدند .
(درست توجه کنید به جمله شایستگی برای خدمات دولتی را نداشتند) .

با این که این قانون در زمان دولت رزم‌آراء تنظیم یافته بود ، رهبران جبهه ملی جملگی در بند الف بودند و مهمتر از این اسامی آن‌هایی بود که در بند ج قرار داشتند یعنی کسانی که اقرار شده بود شایستگی ندارند .

آقایان زیر در بند ج بودند - احمد قوام (قوام‌السلطنه) - رضا حکمت (سردار فاخر حکمت) - محمود بدر - احمد حسین عدل - احمد اعتبار - احمد علی سپهر - دکتر مشرف نفیسی - حسین نفیسی - لقمان نفیسی - فضل‌الله بهرامی - دکتر منوچهر اقبال - محمد تدین - علی اکبر موسوی زاده - محسن سمیعی - سپهبد شاه‌بختی - مصباح فاطمی - محمد علی مجد - اعزاز لیک‌پی - منوچهر نیک‌پی - سلطان محمد عامری - اسدالله یمین اسفندیاری - حسین خواججه‌نوری - جلال شادمان - تقی نبوی - پرویز خوانساری - رضا تجدد - داود پیرنیا - ابوالفتح دولت‌شاهی - یوسف جوادی - مهندس عزت‌الله هدایت - مهندس خسرو هدایت - مهندس کریم ساعی - مهدی مشایخی - عباس شاهنده (مدیر روزنامه فرمان) - ابوالقاسم امینی - خان ملک یزدی - سروان بلوچ قرائی (قاتل بعدی افشار طوس) . . .

بی‌شک در این هیئت تصفیه نیز خاصه خرجی‌هایی هم شده بود مثلاً " آقای ابراهیم حکیمی (حکیم‌الملک) که در زمان ریاست وزرائی‌اش کمیسیون سه‌جانبی را تشکیل و کارهایش برخلاف مصالح کشور بود (و پس از ۲۸

مرداد نیز جزء زمین‌خواران به نام درآمد) و آقای علی سهیلی نخست‌وزیر اسبق که در انتخابات مجلس شورای ملی به‌سود بیگانه مداخلاتی کرده و چند اعلام جرم هم بر علیه‌اش شده بود و اسدالله علم فرزند شوکت‌الملک و دکتر علی‌امینی (عاقد قرارداد کنسرسیوم) همه در بند الف و ب رفته بودند. این گروه بند جیمی (که دولت رزم‌آراء هم آنان را بدنام می‌دانست) کسانی بودند که در سیاست ایران تأثیر داشتند و متأسفانه غالب آنان به‌جز سرسپردگی به بیگانگان شیوه دیگری را دنبال نمی‌کردند.

در این باره آقای محمود نریمان در جلسه ۱۳۲۹/۶/۱۴ چنین گفت: «آرزوی ملت ایران این بوده که روزی دستگاه‌های دولتی از عناصر ناپاک تصفیه شود. . . . کسانی که حاضر شده‌اند در راه انجام وظیفه (معرفی بند جیمی‌ها) خود را در معرض دشمنی عده کثیری قرار دهند عمل آن‌ها قابل تقدیس مردم ایران است.

عده‌ای - خیر، صحیح نیست (اسلامی - این‌ها دزد ناموس بودند) (عامری - کی ما چنین قانونی را گذرانندیم) (اسلامی - دزد ناموس حق ندارد تصفیه کند) ^۱

نریمان - من به حکم وظیفه‌ای که دارم
جمال امامی - مرده‌شوی این وظیفه را ببرد (مکی - چرا نمی‌گذارید حرفش را بزند. آیا مصباح فاطمی دزد و بدر دفاع دارند؟) (یکی از نمایندگان - آن‌ها دفاع ندارند ولی هستند کسانی که دفاع دارند) (کشاورز صدر - سهیلی چطور بود؟) (آزاد - آن هم دزد بود) (کشاورز صدر - پس چرا او را در بند الف گذاشته‌اند)
نریمان - من به حکم وظیفه‌ای که دارم می‌گویم این عمل تصفیه روح

۱ - منظور دکتر سجادی آخرین رئیس مجلس سنای ایران است که رئیس هیأت تصفیه بود.

امیدی در مردم دمیده است . .

مکی - خطاب به جمال امامی ، من نمی دانم کار آن چک ۱۶۰ هزار تومانی که بانک ملی از خودش به حساب شما پرداخت کرد مسئولش چه کسی می باشد . دولت باید جواب بدهد وگرنه مسئول است .

جمال امامی - به چرت و پرت نکشد که من هم بلدم . آیا به وکیل می شود اعلام جرم کرد؟ .

مکی - بله بکنید شما خیلی کارها می توانید بکنید . .

فولادوند - بنده به خانه های خیابان شاهرضا و ژاله و غیره آقای حکیم الملک کاری ندارم ، الساعه می نویسم که ایشان وکیل است تمام ثروت منقول و غیرمنقول بنده را در مقابل خانه ای که در خیابان پست خانه - ماهی پنجهزار تومان به اوقاف اجاره داده است به خودش واگذار کند
دکتر بقائی (۱۳۲۹/۶/۲۴) آقای جمال امامی درست است که شما

قدرت دارید ، دسته چاقوکش دارید ولی همیشه نمی توانید داشته باشید . روزی هم آن شتر پشت در خانه شما می خوابد همانطور که پشت در خانه دهقان خوابید . فراموش نکنید که دهقان بزرگترین پستیان سپهدرزم آراء بود و بزرگترین چوب بست این حکومت خارجی پسند بود ولی چون او با شوروی ها دیگر نمی توانست کنار بیاید چون دهقان^۱ اگر کوچکترین فتوری می کرد دیگر مفتضح می شد او را کشتند .

جمال امامی - آقای بقائی ، فرمودید بنده چاقوکش دارم خودتان هم می دانید که این اظهار صحیح نیست زیرا داشتن چاقوکش مستلزم داشتن دارائی و پول است و من پول ندارم .

دکتر بقائی - ۱۶۰ هزار تومان را دولت به چه مجوزی به شما داد؟ .

۱ - احمد دهقان مؤسس مجله تهران مصور و تماشاخانه تهران و تأثر دهقان بود که مجله اش در چاپخانه ارتش چاپ می شد .

جمال امامی - آقا پول خودم بود (مکی - راجع به خانه چه می فرمائید)
یک خانواده سیصدساله مجبور می شود خانه پدری خود را برای تأدیه قروض
خودشان بفروشد. آقایان مهندس فروغی و مهندس اعلم خانه را به
هفتصد و چهل هزار تومان ارزیابی کرده اند^۱ و دولت پانصد و نود هزار تومان
پرداخته است (دکتر بقائی - پس چرا کس دیگر خانه را نخرید و دولت
خرید؟) نصف آن به قرض خانواده پرداخت شد و نصف آن بین عده ای
بالغ بر سی نفر تقسیم شده است حالا دکتر بقائی حق دارد که این موضوع
را پیراهن عثمان کند.

دکتر مصدق (۱۳۲۹/۶/۳۰) راجع به زندگی آقای رضا حکمت
(سردار فخر حکمت رئیس مجلس) خود ایشان در مجلس اینطور فرمودند:
"راجع به زندگانی خودم باید عرض کنم تمام این مردم فارس و شاید بیشتر
اهالی ایران می دانند که از آغاز جوانی دارای متجاوز از چهل پارچه ده و
مزرعه موروثی بودم و دستدر بیج در طول سنوات زندگی، املاک مزبور را به ضمیمه
خانه های شیراز و خانه های تهران برای حفظ حیثیت خود فروخته و
شرافتمندانه امرار معاش نموده ام."

و کار ایشان با آن همه مال و ثروت اکنون به جایی رسیده است که
چک بی محل می کشند و قدرت پرداخت بدهی خود را ندارند. آیا شایسته
بود که هیئت تصفیه در این باره سکوت اختیار کنند تا ایشان به واسطه
دخالت در کارها دولت را هم به روز خود بنشانند؟! .

هنگامی که آقای دکتر مصدق جمله آخری را گفت ناگهان آقایان
کشاورز صدر، حبیب پناهی، جواد عامری، دولت شاهی با شتاب برخاسته و
فریاد زدند ما در جلسه نمی نشینیم این چه وضعی است
دکتر مصدق - آقایان کجا می روید؟ من شماره چک بی محل ایشان را

۱ - بنده در آن زمان خانه مادری ام را به ۹۰۰ تومان فروختم .

دارم خیال می‌کنید اگر بروید من دیگر حرف نمی‌زنم؟ خیر اینطور نیست به خدای لایزال سه روز هم که شده اینجا می‌مانم . در اینجا می‌خواهم و حرف‌هایم را می‌زنم . شما نمی‌خواهد بروید .

دکتر طاهری - حالا من تمنا می‌کنم پائین بیایید .

دکتر^۸ مصدق - به جان تو و به خدائی که ما را آفریده است پائین نمی‌آیم مگر مجلس بازبچه‌است که قانونی با امضای رئیس مجلس برای اجراء به دولت ابلاغ شود و پس از اینکه شخص ایشان مشمول آن قانون قرار گرفت بیایند پشت‌تریبون و عمل مجلس و آن قانون را غلط و ظالمانه بنامند . بالاخره در جلسه ۱۳۲۹/۸/۲۶ به همه^۹ این سرو صداها خاتمه دادند و با نیرنگ قانون تصفیه^{۱۰} کارمندان را لغو کردند . آقای دکتر بقائی در آن جلسه فریاد زد که وکلاء پانصد هزار تومان پول گرفته‌اند تا این لایحه را لغو و دزدان را تطهیر کنند .

هنگام اعلام رأی مجلس ساکت بود و نمایندگان یک یک برای دادن رأی پشت تریبون رفتند .

مکی - عده برای اخذ رأی کافی نیست زیرا تابلو حضور ۷۶ نفر را نشان نمی‌دهد .

رئیس - الان بله ولی اعلام رأی شده است و در موقع اعلام رأی عده کافی بوده است و حالا با حضور نصف به علاوه یک می‌توانید رأی بگیرید .

در این موقع که نمایندگان برای رأی دادن به سمت تریبون می‌رفتند از نمایندگان اقلیت فقط آقایان حائریزاده ، مکی ، بقائی در جلسه حضور داشتند و دکتر بقائی با عصبانیت و فریادگفت آقایانی که پول گرفته‌اند باید رأی سفید بدهند . ملت ایران باید این را بفهمد که پانصد هزار تومان پول در این مجلس خرج شده است . یک عده دزد دور هم جمع شده‌اند برای اینکه این قانون لغو شود

پس از اخذ رأی نتیجه به شرح زیر اعلام شد . عده حاضر ۸۳ نفر ،

موافق ۵۱ نفر، ممتنع ۱۹ نفر، مخالف ۶ نفر.
آزاد - (خطاب به رئیس مجلس) من در پشت این تریبون ثابت می‌کنم
که در جلسه ۸۱ نفر نبود که شما اعلام رأی کردید.
رئیس - شما مرد ساده‌ای هستید، بنشینید.
آزاد - نیرنگ و حيله بوده است.

(اعتراضات مردم)

در پیش گفتیم که اقلیت دوره شانزدهم در این اندیشه بود که با قوانین
دوران دیکتاتوری آزادی‌بیان و عقیده امکان ندارد اما اکثریتی که به دولت
رزم‌آراء رأی اعتماد داده بود در راه تحقق دموکراسی اشکال می‌تراشید.
دولت رزم‌آراء پس از گرفتن رأی اعتماد دست به کار این شد تا با
جلوگیری از بروز احساسات و افکار مردم زمینه‌مناسبی برای گذراندن قرارداد
نفت آماده کند از این‌روی به تندی به بهانه‌های گوناگون به توقیف روزنامه‌ها
و تبعید آزادی خواهان پرداخت.

آقای الهیار صالح در جلسه ۱۳۲۹/۵/۵ مجلس گفت: «در گذشته من
اشاره‌ای به تبعید دسته‌جمعی حزب ایرانی‌ها در خراسان از طرف صدرالاشراف
کردم اکنون دولت رزم‌آراء که می‌گوید حکومت مردم بر مردم باید
تأمین شود مشغول توقیف جرائد و ادامه حکومت نظامی در ولایات است و
هیچ توجهی به اصلاح قانون مطبوعات و قانون حکومت نظامی و قانون
انتخابات ندارد

آقای صالح افزود که موضوع دیگر اینکه فشارهایی که به رفقای حزب
ایرانی ما در خراسان و در دیگر ولایات وارد می‌شود خیلی زیاد است. در
گیلان رفقای بنده با خون دل روزنامه‌ای تأسیس کرده‌اند به نام روزنامه
گیلان ما. مخبر این روزنامه وقتی برای گرفتن خبر به شهربانی می‌رود مورد
اهانت و ضرب و شتم قرار می‌گیرد و دستگیر می‌شود. این نمونه‌ای از

اقداماتی است که دولت قوی شوکت راجع به طرفداری از حقوق مردم می‌کند ...

آشتیانی زاده نیز در جلسه ۱۳۲۹/۷/۱۸ به این رفتار مقامات نظامی از قوانین آزادی‌کش اعتراض کرد و گفت: «اگر به این بازی‌ها خاتمه داده نشود دولت را استیضاح خواهم کرد و پرده از روی خیلی از اسرار که تا به حال کسی جرأت نکرده بگوید برخواهم گرفت ...»

حائریزاده به دنبال این اعتراض گفت: «که حکومت نظامی آبادان به کارگران فشار آورده و برخلاف قوانین عمومی و اساسی کشور با سر نیزه حکومت نظامی، اتحادیه کارگران را محاصره و کارگران را با کامیون به نقاط گوناگون تبعید کرده‌است و چون دکتر بختیار نماینده وزارت کار بود کمپانی نفت مصلحت ندید که یک‌ما مور وظیفه‌شناسی آنجا باشد و بلافاصله در هیئت دولت تصمیم گرفته شد او را عوض کنند ...»

خواستم بگویم که امروز در آبادان چیزی که حکومت ندارد اراده حکومت ملی و مرکزی ایران است و آنجا تابع کمپانی نفت جنوب است این‌ها حق حاکمیت ما را از بین برده‌اند و تقصیر دولت این است که ما مورین را مطابق میل آن‌ها عوض می‌کند و نمونه این هم همان دکتر بختیار است.

باری اینگونه اعتراضات به جایی نرسید زیرا پس از چند ماه دوباره دکتر مصدق زبان به اعتراض گشود و در جلسه ۱۳۲۹/۹/۱۲ گفت: «اکنون دو روز است که چون روزنامه شاهد اعلام کرده است بعضی از مراسلات سفارت انگلیس را که برخلاف مقررات حقوق بین‌المللی به دولت نوشته شده است منتشر می‌کند از انتشار روزنامه شاهد بوسیله ما موران شهربانی جلوگیری می‌کنند بطوری که روز پیش بعضی از آقایان نمایندگان جبهه ملی در مجلس خودشان حاضر شدند که روزنامه را در شهر توزیع کنند.

من به صدای بلند می‌گویم چنانچه باز شهربانی بخواهد مانع انتشار روزنامه مزبور شود به نمایندگان جبهه ملی دستور می‌دهم همگی موزعین روزنامه شاهد شوند و چنانچه آن‌ها نتوانستند از عهده توزیع برآیند از

مردمان حساس مملکت، از آن مردمی که ایمان خود را در مقابل پول و چند ماه حقوق نمی‌فروشند یاری بخواهند...

اما در نیمه شب ۱۳۲۹/۹/۲۷ گروهی مزدور به چاپخانه موسوی ریختند و مانع چاپ روزنامه شاهد شدند. روز بعد دگتر بقائی در این باره گفت: «بنده می‌خواستم از وزیر کشور تشکر کنم چون دولت رسماً مشغول شرارت شده است. پریشب شش نفر چاقوکش به محل روزنامه شاهد ریختند که چهار نفر آن‌ها را می‌شناسم. این‌ها کسانی هستند که در موقع انتخابات اول، مأمور شهربانی برای تعویض صندوق‌ها بودند و همه آن‌ها را می‌شناسند...»

دیشب چهل نفر از سران بازار و معتمدین و محترمین آمدند و به چاپخانه و تا صبح بیدار ماندند و من شخصا خیال می‌کردم دستگاه دولتی خجالت می‌کشد ولی یک ربع به نصف شب مانده مأمورین همین جناب اردلان وزیر کشور آمدند و در چاپخانه را شکستند. این‌ها که به چاپخانه ما حمله کردند مأمورین مخفی شهربانی بودند و ما می‌توانیم آن‌ها را معرفی کنیم... اردلان - وزیر کشور، نمی‌توانید.

دکتر مصدق در (۱۳۲۹/۹/۳۰) گفت: نظر به اینکه این مضیقه‌ها به دست خدمتگذاران شرکت غاصب نفت فراهم می‌شود و دولت نیز از آنان پشتیبانی می‌کند و روزنامه‌نگارانی چون دگتر فاطمی مدیر باختر امروز را دستگیر و زندانی کرده و به بهانه جلوگیری از اغتشاشاتی که خود برپا نموده‌اند در صدد شکستن قلم‌ها و بریدن زبان‌ها برآمده‌اند ما نمایندگان اقلیت خود را موظف می‌دانیم که به کلیه جهانیان اعلام کنیم که هرگونه قراری نسبت به لایحه نفت در مجلس داده شود مثل اقداماتی که در دوره قرارداد ۱۹۳۳ انجام شده از درجه اعتبار ساقط است...

و آقای معدل شیرازی افزود که: «آقای دکتر حسین فاطمی مدیر روزنامه باختر امروز نویسنده بزرگ و مرد وطن پرستی است ما بسایید به مفاخر خود

احترام بگذاریم و مخصوصاً " احترام نویسندگان را حفظ کنیم (تصدیق نمایندگان) .

روز ۱۳۲۹/۹/۲۹ دو نفر مأمور شهربانی به دفتر روزنامه باختر امروز رفتند و به آقای دکتر حسین فاطمی اطلاع دادند که روزنامه توقیف شده است و پس از ابلاغ حکم بازداشت، ایشان را به شهربانی بردند و به دنبال آن در روز ۱۳۲۹/۱۰/۲ گروهی دیگر از روزنامه‌نویسان که نزدیک به چهل نفر می‌شدند به مجلس سنا رفتند و متحصن شدند و ضمن صدور اعلامیه‌ای به اعمال غیرقانونی حکومت و تهدید و زندانی کردن خلاف قانون مدیران جرائد و تعقیب نویسندگان اعتراض کردند و گفتند که تا رفع مزاحمت از کلیه مدیران جرائد و نویسندگان در تحصن باقی می‌مانند .

جالب است که مدیران روزنامه‌های حزب توده در اینگونه اعتراضات به دلایل زیرین شرکت نداشتند .

(اعلامیه شهربانی کل کشور)

۱۳۲۹/۹/۲۵

ساعت ۲۰/۳۰ روز جمعه ۱۳۲۹/۹/۲۴ یک دستگاه کامیون که دارای روپوش علائم مشخصه ارتش و عده‌ای که ملبس به لباس نظامی بوده و یک نفر آن‌ها با درجه سرهنگ ۲ ارتش و بقیه درجه گروهبانی ارتش را دارا بوده‌اند به درب زندان قصر آمده طبق مقررات به افسر نگهبان زندان مراجعه و با مذاکراتی که با ستوان یکم قبادی افسر نگهبان می‌نمایند وارد محوطه زندان شده و سپس به درب زندان شماره ۲ سیاسی رفته و ده نفر از زندانیان سیاسی (به نام‌های دکتر یزدی، دکتر جودت، دکتر کیانوری، اکبر شاندرمنی، احمد قاسمی، نوشین، صمد حکیمی، سروان روزبه، علوی...) را ستوان یکم محمدزاده افسر نگهبان زندان مذکور طبق دستور ستوان یکم قبادی به خارج آورده و به کامیون سوار و از زندان خارج

می‌شوند. ستوان یکم قبادی و ستوان یکم محمدزاده افسران نگهبان نیز به همراهی آن‌ها حرکت و به معاونین خود دستور می‌دهند تا مراجعت آن‌ها مراقب باشند.

رئیس شهربانی کل کشور. سرتیپ دفتری.

در این باره وزیر کشور در جلسه ۱۳۲۹/۹/۲۶ چنین گفت: «راجع به فرار زندانیان سیاسی می‌خواستم عرض کنم در گزارشی که از شهربانی کل کشور رسیده بود اینطور حکایت می‌کرد که ساعت ۸/۵ شب ماقبل، دکتر بقائی - بفرمائید شب‌جمعه از لحاظ اینکه همه می‌دانند روز جمعه بازپرسی و دوائر تعطیل‌بوده و تباری بین تمام دستگاه‌ها برای تهیه زمینه فرار بوده است.

جمال امامی - گزارش شهربانی را دیدیم، جریان را بگوئید.
مکی - وزیر کشور خودش به وسیله روزنامه اطلاع پیدا کرده است...
صفوی - مسلح هم بوده‌اند؟
وزیر کشور - بلی، مسلح هم بوده‌اند... این گزارش به محض اینکه به دولت رسید اقدامات سریعی شد...

روزنامه‌اطلاعات در ۱۳۲۹/۹/۲۶ نوشت... بعضی از افراد بدبین که کلیه‌امور را از جنبه مخصوص مورد تفسیر قرار می‌دهند و نسبت به همه چیز بدبین هستند می‌گویند فرار دهنفر زندانی به این سادگی قابل قبول نیست. چطور دو نفر ستوان یکم توانستند این عده زیاد را مرخص کنند و از درهای مختلف خارج نمایند. اگر کار همدستان توده‌ای آن‌ها بوده چرا سایر زندانیان توده‌ای را نجات ندادند؟ و تنها افرادی را خارج کرده‌اند که مورد نظر بوده و شاید به قول خودشان با شکسته شدن رأی دادگاه نظامی در دیوان کشور دیگر مجوزی برای باقیماندن آن‌ها در زندان نبوده است...
- در این زمان رزم آراء برای جلب دوستی روسیه برخلاف همه موازین

انسانی گام‌های دیگری نیز برداشت از جمله تنی چند از پناهندگان شوروی به ایران را تحویل آن دولت داد و همانگونه که گفته شد مقدمات فرار رهبران حزب توده را از زندان فراهم کرد و آنان را در اداره تشکیلات و انتشار روزنامه‌های گوناگون آزاد گذاشت و تا آنجا پیش رفت که جمال امامی لیدر انگلیسی‌مآب و طرفدار دولت رزم‌آراء فریاد برآورد: «توده‌ای‌ها را از زندان فرار دادند و حزب توده مجدداً در این کشور برقرار شد و روزنامه‌هایشان دوباره منتشر شدند و از همه شرم‌آورتر استرداد پناهندگان سیاسی است که در تاریخ ملل سابقه نداشته است . . .^۱

جمال امامی در (۱۳۲۹/۹/۳۵) گفت: «بنده چندان اهمیتی به فرار چند نفر از زندان نمی‌دهم ولی اصل موضوع خیلی مهم است که عده‌ای خائن به کشور که در زندان دولت هستند با آن ترتیب بتوانند شبانه متفقاً از زندان فرار نمایند. از دو حال خارج نیست یا اینکه همانطور که شایع است خود دولت در این کار دست داشته و در این صورت وای به حال ما و مملکت و یا اینکه خود توده‌ای‌ها چنان در کشور و دستگاه عامله کشور مسلط هستند که نوانسته‌اند فرار کنند.

دکتر بقائی - شق اول درست است.

من هم گمان می‌کنم اینطور باشد و دلائلی براین موضوع دارم. افسری که نامش قبادی است سابقه عضویت حزب کومله و توده را داشته و مدتی در ارتش گروهیان بوده و اخراج شده و بعد در شهربانی داخل شده است. افسر دیگر محمدزاده برادر آتش‌نیای معروف که از سران حزب توده بوده است می‌باشد و در این شکی نیست که آقای رئیس دولت (رزم‌آراء) که سال‌های متممادی رئیس ستاد ارتش بوده از تشکیلات توده و افراد آن‌ها و سوابق این اشخاص بیش از همه اطلاع داشته‌اند چطور می‌شود فرض نمود که ایشان بدون